

**محدنه شوشتري** - تمام روشنایی های دنیا، به یک مهنیای بالای سرش و کورسوی نور از لابه‌لای در خلاصه شده است. ۹سال تمام را روی تخت گذرانده، بادهست‌هایی‌که از کنارافتاده‌اندو پاهایی که بعد از ۱۱عمل جراحی، توان ایستادن ندارند.

یک تکه گوشت بی حرکت، تمام سهمش از زندگی در سال‌های جوانی اش شده است. با لکت‌زبانی که بعداز حادثه در محیط کار سراغش آمده، از رنج‌های تمام‌نشندی می‌گوید. «حامد» ۹سال پیش، از داربست ساختمانی درحال ساخت در وکیل‌آباد مشهدسقوط کرد.

«جواد»، کارگر دیگری است که همانند حامد، ایمن‌نیودن کار، بالای جانش شدو از یک قدمی مرگ عبور کرد. چهار سال پیش، در یک صبح‌بهاری، جواد، ساری بازیگوشش‌رادراغوش گرفتوقول دادعصر که از سر کار برگشت، پدرودختر دست‌در دست هم‌تاپارک محله بروند و سارا دل‌سیر، تاب و سرسره بازی کند، اما آن عصر روز بهاری هیچ‌وقت نرسید. دست‌های پدر برای همیشه‌سر کار جاماندو آرزوی سارا هم برای نوازش و لمس دست‌های پدر و در آغوش گرفتنش، جایی در خاطرات کودکی اش ماند. دست‌های پدر، در دستگاه پرس کود، گیر کرد و تا ساق دستش قلم‌شد.

سرنوشت «مهدی» با این کارگران آسیب‌دیده فرق داشت. صبح، مادرت‌وشلوار دامادی‌اش‌راتنش کرد تا برای کوتاه کردن شلوار، خودش پای چرخ خیاطی بنشیند. مهدی‌رفت‌ودیگر بازی‌نگشت.

زندگی اش با اتصال برق، برای همیشه از جریان ایستاد. مادر آن روز با حوصله شلوار را اندازه کرد و دوخت، اما هر چه چشم به دوخت، خبری از مهدی نشد. فقط چند روز تا شب دامادی اش مانده بود که تدارکات عروسی، برای مجلس عزایش خرج شد.

حاج‌خانم عباسی همین یک پسر را داشت و یک عمر با خیاطی و خون و دل‌خوردن، بزرگش کرده بود. سه‌سال از این حادثه گذشته است، اما وقتی سراغ مادر رفتیم، گریه امان نداد تا چون و چرای حادثه اتصال برق‌وپرت‌شدن‌پسر از ارتفاع‌خین کار را بر ایمان تعریف‌کند.

چراغ زندگی «علیرضا» هم مثل مهدی، در اوج جوانی با یک حادثه تلخ در محیط کار برای همیشه خاموش شد، با این تفاوت‌که از شب دامادی او یک‌سال‌ونیم گذشته و تازه پدر شده بود. سقوط دستگاه بالا‌بر مصالح، مهدی را از زندگی ساقط کرد و نوعروس یک‌ساله‌ماندبا نوزادش.

قصه این کارگران به‌همین چند تراژدی ختم نمی‌شود. صحبت از داستان‌های انگیز قوت و آسیب‌دیدگی کارگران و آمار زیاد حوادث ناشی از کار است که نه فقط خانواده این چند نفر را، بلکه تنها در سال گذشته خانواده ۷۹۰۷۹کارگر ایرانی راداغ‌دار کرد. آمار آسیب‌دیدگی هم بماند زیرا از چند هزار نفر در سال هم گذشته‌است. بین این فوتی‌ها، ۵۲کارگر خراسانی بودندو آمار آسیب‌دیدگان جزئی‌وشدید، بیش از هزار نفر.

در ادامه، پای صحبت برخی خانواده‌های کارگران آسیب‌دیده وقوتی نشستیم‌که به‌زخم‌دیده این معضل هستند.



انتهای سیدی، اولین مقصد ماست که برای شنیدن صحبت‌های خانواده «حامد»، راهی شده‌ایم. در خانه را مادر به رویمان می‌گشاید. حامد روی تخت‌افتاده و با پلک‌زدن، گویی خوشامد می‌گوید. دست‌هایش تاخورده روی قفسه سینه‌اش بی حرکت هستند، پاهای نحیف‌تر از بالاتنه شده‌اند و قدرت ایستادن ندارند. حامد هوشیاری کامل‌دارد، اما بخشی از عصب‌هایش از کار افتاده‌است؛ برای همین زبانش ریااری‌ا سخن گفتن نیست. شمرده‌شمرده وبالکتنت‌زبان صحبت می‌کند. با کمک مادرش، کم‌وبیش حرف‌هایش را متوجه می‌شویم. مادر کنار تخت نشسته است و بین حسرت و آندوه از روز حادثه تعریف می‌کند: ۹سال پیش، پسر دم در یک ساختمان چهار طبقه بتأیی می‌کرد که از داربست افتاد. یک سال و دو ماه در کما بود. بعد از کما، تازه عمل‌های جراحی دست‌ها و پاهایش شروع شد. ۱۱بار عمل شده است، اما باز هم نه دست‌ها و نه پاهایش توان حرکت ندارند. سه وعده غذایی را مثل یک بچه دهانش می‌دهم، برای دستشوویی لگن زیر تختش می‌گذارم. ۹سال افتادن روی تخت کم نیست.

چند بار زخم‌بستر گرفت و هر بار چندین ماه طول کشید تا خوب شد. یک مادر مگر چند سال زجر کشیدنی و افتادن فرزند در بستر بیماری را می‌تواند طاق‌ت‌بیابود؟

## گزارش



# نان گران برای کارگران

روایتی از کارگرانی که بر اثر حوادث کار فوت کرده‌اند یا خانگی‌نشین شده‌اند

ابداع خودشان برای انجام حرکات فیزیوتراپی در خانه است.

او در پاسخ به این سوال که، «مگر هزینه‌های درمان را کارفرما بعد از حادثه سقوط از داربست تقبل نکرده است؟» می‌گوید: پسرم بیمه تأمین اجتماعی بود. برای همین او را بعد از حادثه به بیمارستان فارابی برده بودند که هزینه‌ای ندارد یا حداقل هزینه را دریافت می‌کنند. یک‌سال و دو ماه در همین بیمارستان در کما بود. در این مدت، کارفرما پیگیر حالش بود و می‌گفتند اگر هزینه‌ای دارد، پرداخت می‌کنند. اما حالا ۹سال گذشته است. کدام کارفرما حاضر است تا پایان عمر، خسارت درمان کارگزش را پرداخت کند؟ از طرفی بیمه نیز همراهی نمی‌کند. فقط برای عمل‌های جراحی و داروها از بیمه استفاده می‌کنیم، اما هزینه یک‌روز در میان فیزیوتراپی با مبلغ زیاد را پرداخت نمی‌کند.

عروسم پای مرد علیل ماند

بغض مادر می‌ترکد. بین اشک‌هایش، از دردهای ناتمام زندگی پسرش بعد از سقوط از داربست و آسیب‌دیدگی اش می‌گوید: همسرش چهار ماهه‌باردار بود که این اتفاق افتاد. حالا نوه‌ام کلاس دوم ابتدایی است. همه سال‌ها پدرش را در بستر بیمار دیده. خدا را شکر عروس خوبی داشتیم. می‌توانست پای مرد علیل نماند و دنبال زندگی‌اش برود، اما در این زندگی با این همه رنج ماند و برای فرزندش مادری می‌کند. هفته‌ای چند روز هم مراقبت از حامد را عهده‌دار شده است.

از عهده هزینه‌های درمان بر نمی‌آییم

مادر این کارگر بین صحبت‌هایش از هزینه‌های درمانی کارگران آسیب‌دیده و پاسخ‌گو نبودن بیمه هم گلایه می‌کند و می‌گوید: دکتر مدام فیزیوتراپی برای پسرم تجویز می‌کند، اما یک جلسه، دو جلسه و یک هفته

دوهفته نیست‌که بتوانیم از عهده این مخارج بر بیاییم. هر جلسه ۵۰هزار تومان هزینه دارد و باید او را هفته‌ای سه‌بار فیزیوتراپی ببریم. نمی‌توانیم از عهده این مخارج بر آییم؛ به‌همین دلیل خودمان در خانه دست و پاهای پسرم را ورزش می‌دهیم تا وضعیتش از این بدتر نشود. چند فنر بسته‌شده به تخت را نشانمان می‌دهد که

۳۰میلیون تومان به عنوان دیه و تمام هزینه‌های درمانی به‌من بدهد و ماهیانه نیز یک‌میلیون تومان از شرکت حقوق دریافت کنم. قبول کردم و رئیس شرکت در محضر تعهد کتبی برای رضایت از این حادثه از من گرفت. حالا چهار سال گذشته و نه‌تنها کل مبلغ ۳۰میلیون تومان دیه توافقی‌مان را نداده‌است، بلکه حقوق ماهیانه‌ام را هم حاضر نیست افزایش دهد، در صورتی که قول داده بود سالیانه حقوقم را افزایش دهد.

■ **حق و حقوقی‌که پایمال می‌شود**

این کارگر از کار افتاده، خطاب به دیگر هم‌صنفی‌های خود تأکید می‌کند: کارگران، فریب وعده‌های کارفرما و صاحبان کار را نخورند و در حوادث ناشی از کار، حتماً برای گرفتن حق و حقوق خود از راه قانونی اقدام کنند. اگر از حق و حقوق کارگر اطلاع داشتیم، این اشتباه را نمی‌کردم. بعدها فهمیدم که دیه از دست‌دادن دودست، بیش از دو برابر رقمی بود که کارفرما به‌من پیشنهاد داد و من رضایت دادم. بماند که در این بین همان رقم توافقی را نیز هنوز کامل پرداخت نکرده‌است.

این کارگر، مستأجری است با دو فرزند قدونیم‌قد که حالا نه از پس مخارج هزینه‌های سنگین زندگی برمی‌آید و نه دستنی برای کار دارد. از طرفی، همان مبلغ دیه را که می‌توانست بخشی از مشکلات مالی زندگی‌اش را حل کند، از دست داده‌است.

■ **فاجعه مرگ یک کارگر**

بین کارگرانی که در حوادث ناشی از کار آسیب‌های جدی دیده‌اند، کارگرانی نیز هستند که دفتر زندگی‌شان بر اثر این حوادث به‌طور کلی بسته شده‌است. «مهدی»، یکی از همین کارگران، ۲۵بهار بیشتر از عمرش نگذشته بود که درست چند روز مانده به مجلس عروسی‌اش، با اتصال برق در ساختمان نیمه‌کاره از طبقه سوم سقوط کرد و در دم جان باخت. او کارگر بخش تأسیسات ساختمان بود و حین کار، جانش را از دست داد.

همین چند وقت پیش بود که پزشکی قانونی کشور، در آماری از حوادث ناشی از کار، اتصال برق را سومین علت مرگ کارگران در محیط‌های کاری اعلام کرد. مهدی هم جزو این کارگران بود که برق، تمام زندگی‌اش را گرفت. مادرش باه و آندوهی که هنوز بعد از گذشت سه‌سال نتوانسته آرام بگیرد، به‌سختی از روز حادثه تعریف می‌کند. حاج‌خانم عباسی می‌گوید: سه‌دختر و همین یک پسر را داشتیم. شوهرم بعد از گذشت چند سال از زندگی مشترک‌مان، زین‌دبگری گرفت. خرجی نمی‌داد.

به‌خاطر بزرگ کردن بچه‌ها و سروسامان گرفتنشان یک عمر پای چرخ خیاطی نشستم. مهدی تازه شده بود نان‌آور خانه. نمی‌گذاشت کار کنم. روز حادثه بعد از مدت‌ها برای اندازه‌کردن کت وشلوار دامادی‌اش، پای چرخ نشستم. کارم تمام شد. لحظه‌شماری می‌کردم که برگردد و او را در لباس دامادی ببینم، اما هیچ‌وقت برنگشت. این را که می‌گوید، دیگر گریه‌امانش نمی‌دهد که بی‌صحت‌هایش را بگیرد.

کاش نظارت بیشتری برای رعایت ایمنی در محیط‌های کار صورت می‌گرفت تا دل‌مادران کمتری از حوادث کار این چنین داغ‌دار شود، یا کودکی یک‌عمر بدون پدر بزرگ نشود و در حسرت داشتن با بماند.



دیگر کارگران روی داده است، دیدگاهشان تغییر می‌کند.

■ **کارگران در محیط‌های غیر ایمن**

رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان خراسان رضوی در ادامه سخنانش، بیکاری ودغدغه معیشت را از عواملی می‌داند که در حوادث کار نقش دارند. ابوی می‌گوید: وقتی کارگر بیکار می‌ماند، حاضر است در زمینه‌ای که مهارت ندارد، مشغول به کار شود، یا در هر محیط کاری‌ای که شرایط ایمن ندارد، تن به کار دهد. به گفته وی، اگر نظارت دقیقی از سوی اداره کار بر محیط‌های کار وجود داشته‌باشد، قطعاً آمار حوادث ناشی از کار کاهش می‌یابد؛ «در این زمینه هم ما بارها مطالبه کرده‌ایم، اما متأسفانه پاسخ می‌دهند که نیروی انسانی کافی به‌عنوان بازرس ندارند!»

ضعف نظارت را خود متولیان اداره کار نیز پذیرفته‌اند، چنان‌که هفته گذشته مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان در گفت‌وگویی باشهرآر این موضوع را تأیید کرد که به‌تعداد کافی بازرس ندارند. سنجری می‌گوید: برای ۱۰۰هزار بنگاه اقتصادی در استان، که نیازمند بازرسی حداقل یک بار در سال هستند، فقط ۵۰بازرس داریم.

اگر هر بازرس در طول سال، وظیفه ۵۰۰بازرسی را داشته‌باشد، با حضور ۵۰بازرس، اداره کار در این مدت، فقط می‌تواند از ۲۵هزار کارگاه بازرسی کند. این موضوع یعنی اینکه هر کارگاه یا بنگاه اقتصادی در هر چهار یا پنج سال فقط یک بار بازرسی می‌شود.



رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان با اشاره به کاهش حوادث ناشی از کار:

# نبود نظارت، آموزش و ضعف ایمنی، بلای جان کارگران

محدودیت زمان و روز برای کارگران وجود نداشته باشد، تا از این آموزش‌ها استقبال شود؛ به‌طورمثال کارگاه‌های آموزشی را در روزهای تعطیل و عصرها و با برنامه‌زمان‌بندی مختلف در نظر گرفته‌اند.

رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان خراسان رضوی تأکید می‌کند: در خیلی از موارد می‌توان حتی با پوشیدن یک کفش ساده روی داربست، که اصطکاک را بالا می‌برد، جان کارگر را از حوادث احتمالی سقوط تضمین کرد. حالا شما بروید به پروژه‌های ساختمانی سر بزنید؛ واقعا چند کارگر را پیدا می‌کنید که با این کفش روی داربست باشند؟ شاید به‌ندرت!

وی بخشی از انتقاد خود را متوجه کارفرمایان در ایمن‌سازی محیط کار می‌داند و در عین حال سهل‌انگاری کارگران را نیز سبب بروز برخی حوادث ذکر می‌کند. به گفته وی، برخی کارگران در پاسخ به این سؤال که چرا کفش یا کمربند مخصوص راه‌نگام کار در ارتفاع استفاده نمی‌کنند، می‌گویند: «چندسال است که داریم همین‌طور کار می‌کنیم و هیچ اتفاقی به ما نیفتاده». این تصور، چه از روی ناآگاهی و چه سهل‌انگاری، آفت جان کارگران می‌شود. اما اگر برای امثال این کارگران، چند ساعت کلاس آموزشی برگزار شود، یا مشاهده فیلم، عکس و آسیب‌هایی که برای



حقوق از کار افتادگی، می‌پردازد. کاهش حوادث کار، به نفع خود این سازمان هم خواهد بود، اما متأسفانه این سازمان، آموزش کارگران را وظیفه دیگر نهادها مانند اداره کاری‌داند. می‌توان در عین حال از طرحی خبری می‌دهد که با بضاعت اندک خود انجمن صنفی کارگران استان برای اولین بار در خراسان رضوی اجرا شده است و در آن، سه‌هزار کارگر از طریق این انجمن با حداقل هزینه آموزش دیده‌اند. ابوی به این نکته نیز اشاره می‌کند که حتی در طرح آموزش کارگران استان سعی شده است

به گفته ابوی، در حال حاضر، سازمان تأمین اجتماعی به‌ازای هر حادثه کار که منجر به فوت یا آسیب‌دیدگی شود، به‌طور میانگین ۵۰۰میلیون تومان خسارت مالی، اعم‌را پرداخت‌دیه‌تا پرداخت

آموزش برای کارگران، ضعف ایمنی و به‌کارنگرفتن تجهیزات ایمن حین کارو از همه‌مهم‌تر، سهل‌انگاری خود کارگران و کارفرمایان، سبب بروز حوادث ناشی از کار می‌شود.

هادی ابوی بیان می‌کند: آسیب‌دیدگی‌های شدید، قطع عضو از دست‌دادن جان کارگران فقط بخشی از مشکلات آشکار ناشی از حوادث کار است، اما ده‌ها آسیب دیگر به‌صورت پنهان و در زمان‌مدت به خانواده‌های کارگران تحمیل می‌شود؛ کودکانی که برای همیشه از نعمت پدر محروم می‌شوند، همسران جوانی که با چند فرزند، مشکلات مالی واجتماعی بعد از از دست‌دادن نان‌آور خانه، گریبانشان را می‌گیرد، حتی در خانواده‌هایی که کارگر از حوادث کار جان سالم‌به‌در می‌برد، نگهداری از کارگر بیمار در موارد نقص عضو، قطع نخاع و معلولیت، سختی‌های زیادی دارد. کارگرانی داریم که سال‌ها مثل یک تکه گوشت روی تخت افتاده‌اند و همسر، والدین یا دیگر اعضای خانواده باید یک‌عمر مریض‌داری کنند.

■ **گلایه از کم‌کاری متولیان**

رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان خراسان رضوی در بخش دیگری از سخنانش از کم‌کاری متولیان برای کاهش جدی حوادث کار گلایه می‌کند و می‌گوید: سازمان تأمین اجتماعی،

■ **ضعف نظارت بر محیط کار**

در همین زمینه، رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان خراسان رضوی نیز می‌گوید: متأسفانه ضعف نظارت بر محیط‌های کار، نبود